

چرا صورتی برای دختر است و آبی برای پسر؟



معمولاً هنگام خرید برای نوزاد یا کودک، لباس‌های رنگ آبی را برای پسر انتخاب می‌کنیم و لباس‌های صورتی رنگ را برای دختر. اما به راستی این قانون نانوشته را چه کسی ابداع کرده است؟ آیا این نرم‌های جنسیتی برخی تفاوت‌های زیست‌شناختی میان دختر و پسر را باز می‌تاباند یا آنها در بستر فرهنگ ساخته می‌شوند؟

این بستگی دارد به این که چه کسی به این پرسش پاسخ دهد. بررسی و مطالعه تاریخدان دانشگاه مریلند جویانولتی به این نکته رسیده که تا دهه پنجاه قرن بیستم نوعی آشفنگی و هرج و مرج در رنگ لباس‌های کودکان مشاهده می‌شود. وی می‌گوید: «هیچ نوع سمبل‌سازی برای رنگ‌های مربوط به هر جنس در هیچ جایی نبوده است؛ بنابراین برای رنگ‌های اجتماعی برای انتخاب رنگ صورتی دخترانه و آبی پسرانه، در قرن بیستم در ایالات متحده آمریکا به وجود آمد و در واقع هیچ رابطه‌ای میان تفاوت‌های میان رنگ مطلوب دختر یا پسر وجود ندارد.» «کتاب‌های کودک، اطلاعیه‌های تولد کودک، و

کارت‌های تبریک، هدایا، و نیز مقالات روزنامه‌ها از اوایل دهه اول قرن بیستم نشان می‌دهند که صورتی به همان اندازه‌ای که به پسران اختصاص یافته به همان میزان هم به دختران اختصاص یافته است. مثلاً در نسخه‌ای از مجله‌ای تجاری در مورد تولیدکنندگان لباس نوزادان در ماه ژوئن می‌نویسد: «تنوع بسیاری در این رابطه وجود دارد، اما به طور کلی قانون پذیرفته شده این است که صورتی برای پسر و آبی برای دختر به کار رود. دلیل این که صورتی بیشتر برای پسر انتخاب می‌شود این است که صورتی رنگی قوی تر است پس برای پسرها مناسب‌تر است؛ در حالی که آبی لطیف‌تر است و برای دختر زیباتر است.»

اما این تلاش برای چنین قانونی در میان خرده‌فروشان و تولیدکنندگان به وضوح مشخص نیست. پائولتی می‌گوید: «در مجله تایم در سال ۱۹۲۷، جدولی بود که معارفه‌های شهرهای مختلف از آنها خواسته شد تا بگویند چه رنگ‌هایی برای دختران و چه رنگ‌هایی برای پسران استفاده می‌کنند. پاسخ

آنها در قالب یک نقشه درج شده بود. اما قانون صورتی برای دختران و آبی برای پسران بعد از جنگ جهانی دوم در دوران مدرن قوت گرفت، و تا دهه هشتاد گسترش یافت؛ اما رعایت شدید قانون آبی برای پسر و صورتی برای دختر از دید فیلیپ کوهن، جامعه‌شناس دانشگاه مریلند، معتقد است که این قانون شگرد بازاریابی است.

وی می‌گوید: «این قانون نانوشته برای تخصیص رنگ‌ها به جنس، در زمان بازاریابی گسترده و عمده ظهور یافت. اگر خرده‌فروشان بتوانند شما را قانع کنند که مطابق هنجار جنسیتی عمل کنید؛ به این معنا است که شما محصول خاصی - اعم از مواد آرایشی بهداشتی، جراحی زیبایی و رنگ صورتی و آبی لباس و... - را بخارید، جزئی از این هنجار بودن برای همه ما مهم است و سازوکاری بازاریابانه است.»

کوهن معتقد است که اینها از دید تولید عمده و بازاریابی عمده فروشی انجام می‌شود. اما این که چرا در گذشته آبی برای دختران بود و صورتی برای پسران و امروز کاملاً

برعکس شده است؛ پائولتی می‌گوید: «این قانون که ما امروز رعایت می‌کنیم اثر مدهای فرانسوی است. فرهنگ سنتی فرانسه صورتی را برای دختران و آبی را برای پسران در نظر می‌گیرد (در حالی که در بزرگ و فرهنگ ژرمن آلمان برعکس این قانون رعایت می‌شد) و چون فرانسه مد قرن بیستم را می‌ساخت و صادر می‌کرد، فرهنگ آنها در انتخاب رنگ‌ها غالب شد. اگرچه یادداشتی که در جزایر پیدا شده که ریشه این داستان و قانون پذیرفته شده صورتی برای دختر و آبی برای پسر را بررسی کرده است.

در پژوهشی دیگر جامعه‌شناسی به نام مارکو دل گوئیدیس در دانشگاه تورین ایتالیا، در مطالعه‌ای ساده همه کتاب‌هایی که در ایالات متحده در فاصله زمانی ۱۸۸۰ تا ۱۹۸۰ چاپ شده بود و گوگل آنها را اسکن کرده بررسی کرد. وی دریافت که همواره صورتی به دختر و آبی به پسر اختصاص یافته است. در حالی که پیش از سال ۱۸۸۰ این گونه نبوده است.

همچنین مشخص شد که در نظر گرفتن رنگ صورتی برای دختران یا به طور عمده برای جنس مؤنث از اواخر قرن نوزدهم به وجود آمده است. دل گوئیدیس می‌گوید: «اگر دختران رنگ صورتی را ترجیح می‌دادند و پسران رنگ آبی را، ممکن بود که این انتخاب ریشه‌ای زیست‌شناختی داشته باشد؛ اما در واقع هیچ‌کس نمی‌داند.»

در سال ۲۰۰۷ نتیجه مطالعه‌ای نشان داد که زنان و مردان ممکن است در اثر فرهنگ و زیست‌شناسی بدن شان به بخش‌های خاصی از طیف رنگی علاقمند باشند؛ اما توضیح این موضوع همچنان مورد توجه پژوهشگران بوده و تفکربرانگیز باقی‌مانده است. البته دیگر کسی روی این موضوع کار نمی‌کند؛ چون مطالعات نشان می‌دهد که هیچ‌کدام ریشه‌ای زیست‌شناختی ندارد.

گذشته، حال و آینده تخصیص رنگ‌ها

با وجود این یافته‌ها، نوعی آشفنگی در میان مقالات روزنامه‌ها و مجلات دو قرن پیش مشاهده می‌شود.

کوهن در این زمینه می‌افزاید: همه شواهد نشان می‌دهد که امروز ما کودکان را بیش از صد و پنجاه سال پیش با جنسیت جدا می‌کنیم، در حالی که زمان تولد نوزاد، لباسی به رنگ سفید به او می‌پوشانند. متعلقات رنگی برای هر جنس محصول قرن پیش و قرن حاضر است و ریشه در فرهنگ دارد. «اما اگر شما هیچ دلیلی برای اثبات این تعلقات رنگی ندارید و هیچ دلیل زیست‌شناختی هم ندارید؛ پس این‌ها همه ساخته‌اند است.» زیرا دقیقاً در یک قرن پیش طرز تفکر درست برعکس بود؛ یعنی آبی برای دختر و صورتی برای پسر!

آشنایی با قرآن



متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره هُمَزَه

غالباً افرادی که به ظلم کردن و جنایت وارد کردن به مردم عادت می‌کنند کم‌کم حالتی پیدا می‌کنند که گویی اگر مدتی گذشته باشد و او کسی را شلاق زده باشد، به کسی سیلی زده باشد، کسی را زیر لگد خودش نینداخته باشد احساس نوعی ناراحتی و کمبود می‌کند (مثل یک آدم مبتلا به سیگار که مدتی نکشیده، خمیازه می‌کشد)، در حال خمار است که کسی را پیدا کند، بهانه هم باشد یا نباشد، یک تنکی به او بزند تا خودش از تنک زدن به دیگران حال بیاید.

ولی از این بالاتر، بیماری رنج روحی دادن به مردم است. بعضی این بیماری را دارند که از رنج جسمانی دادن به مردم لذت می‌برند و بعضی از رنج روحی دادن به مردم؛ یعنی اینکه کاری بکنند که دل یک کسی را آتش بزند، به شکلی مردم را اذیت روحی کند، مثل آبرو و حیثیت کسی را به هر شکل ممکن ببرد.

عیبایی که در اسلام به شدت مذمت شده است این است که انسان چنین حالتی داشته باشد که خوشش می‌آید که برای مردم عیب بتراشد یا عیبی هم اگر دارند مرتب آن را بازگو کند و کاری بکند که شخصیت دیگران را در هم بشکند و خرد کند.

این البته به شکل‌های مختلف است. گاهی انسان با زبانش و با لفظ و کلام [این کار را انجام می‌دهد] غیبت کردن چنین چیزی است.

آدم با لفظ و کلامش، با غیبت کردن، تمهت زدن، فحش دادن، هجویه ساختن (مثل یک عده شعری که اساساً هنرشان در هجو کردن است) دیگری را آزار می‌دهد. این، عیبایی با لفظ است.

ولی عیبایی، عیب‌گیری کردن و عیب‌جویی کردن از مردم، منحصر به این نیست. گاهی انسان با عمل، حیثیت کسی را می‌برد، روح کسی را آتش می‌زند. مثلاً تقلیدش را درمی‌آورد، با چشم یا آبرو و یا لیش کسی را مسخره می‌کند.

و بعضی اساساً خوششان می‌آید و لذت می‌برند از اینکه مردم را به اصطلاح سوژه عیب‌جویی و عیبایی خودشان قرار بدهند.

قرآن مکرر این مسئله عیبایی را مطرح کرده، [با تعبیرهای] مختلف، گاهی با همین لفظ «همز» یا «لمز» و گاهی با لفظ «غیبت»؛ و لا یتبعضکم بعضاً ایح احکمکم ان یاکل لحم اخیه میتا، یا با الفاظ دیگر.

یا در سوره قلم می‌فرماید: این‌ها هم‌زها، این عیب‌جوها، این عیب‌ها؛ اینها که لذت می‌برند و کارشان این است که از این و آن عیب‌گیری کنند. یا در آیه دیگر می‌فرماید: و لا تلمزوا انفسکم ای مسلمانان خودتان را لمز نکنید.

حلال آيا «همز» و «لمز» با یکدیگر تفاوت دارند؟ اینها ممکن است در اصل با یکدیگر تفاوت داشته باشند ولی خیال می‌کنم بعدها در اثر استعمالات زیاد، در مورد یکدیگر استعمال می‌شوند به گونه‌ای که تأکید یکدیگرند و هر دو شامل معنی دیگری هستند.

شاید در اصل این طور بوده که «همز» عبارت بوده از عیب‌جویی پشت سر و «لمز» عبارت بوده از عیب‌جویی پیش رو، یا «همز» عبارت بوده از عیب‌جویی با لفظ و زبان، و «لمز» عبارت بوده از عیب‌جویی با عمل.

ولی اهل لغت تردید دارند که حالا چنین مرزی میان این دو وجود داشته باشد. پس در واقع همز هم شامل هر نوع عیب‌گیری می‌شود و لمز هم شامل هر نوع عیب‌گیری می‌شود و این دو لفظ فقط مفید تأکید است. مخصوصاً عیب‌گیری با عمل، شاید بیشتر ناراحت‌کننده است. انسانها از اینکه پشت سرشان حرف بزنند شاید آن اندازه ناراحت نمی‌شوند که ببینند یک کسی در عمل دارد [رفتار یا گفتار او را] تقلید می‌کند، یک نوع مخصوصی بازی در می‌آورد برای اینکه مردم را بخنداند؛ چون مسئله تئاتر و بازی، در نفوس، بیشتر اثر می‌گذارد از اینکه حرفی بشنوند.

داستان رسول اکرم و مرد همز

در مدینه مردمی بود که همین کار را می‌کرد و مردم را می‌خندانند. مثلاً وقتی که یک کسی در کوچه یا خیابان می‌رفت این پشت سرش راه می‌افتاد و تقلید او را در می‌آورد، مردم می‌خندیدند.

حضرت رسول(ص) او را نصیحت کردند، فرمودند این کار را نکن. بعد حضرت به او فرمود: هر کسی اینچنین باشد خدای متعال او را در قیامت با گردنی بسیار باریک و کله‌ای بزرگ به اندازه کوه احد محشر می‌کند. گفت: یا رسول الله! پس روز مسخره در آوردن آنجاست، آنجا دیگر من خوب می‌توانم بازی در بیاورم. می‌گویند حضرت رسول(ص) تسمی کردند. از جمله کسانی که حضرت رسول را خندانده‌اند، همین مرد بوده. این عمل - یعنی با گوشه چشم و گوشه آبرو چیزی گفتن و اشاره کردن، ولو به صورت مسخره هم نباشد - به طور کلی عمل سبکی است. اساساً آدم‌های با وقار و سنگین با اشاره گوشه چشم و گوشه آبرو و مانند آن کاری نمی‌کنند.

رسول خدا و مرد مهطور الدم

عقبه بن ابی معیط که قوم و خویش نزدیک عثمان و مانند عثمان از بنی امیه است، از آن کسانی است که پیغمبر اکرم(ص) را خیلی زجر داد و از دشمنهای درجه اول اسلام و پیغمبر و مسلمین و جزء کسانی بود که حضرت رسول آنها را مهطور الدم اعلام کرده بودند. تا در سالهای آخر، مکه فتح شد و او فراری شد و فهمید که دیگر چاره‌ای ندارد. مجرمانه رفت در جوار عثمان و به عثمان پناه برد؛ به خانه عثمان رفت و از او پناه گرفت.

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵

جواب جدول شماره ۹۵/۸۸۰

- ۱- کم بلندا - النگو
- ۲- رودی اروپایی - درست - از واحدهای
- ۳- وظیفه و مقدری - تیره رنگ و کبود - نوازش بی پایان
- ۴- سرپرست - آیین - قطعه پشت دستی - از فلزات سبک
- ۵- بخشی از دست - دست نخورده - مادر عرب
- ۶- عامل بیماری - مستراح
- ۷- از گیاهان خودروی بهاره - چراگاه - غذای بی گوشت
- ۸- درس ناخوانده - ابر زمین گیر شده - درخت زبان گنجشک - قرض
- ۹- بیگانه - یونانی ها به ساکنان شمالی آفریقا می گفتند - اثاث ایل
- ۱۰- از نام های زنانه در عربی - رهایی - قبول نیست
- ۱۱- یکصد مترمربع - سطح - نیکی - رطوبت
- ۱۲- چرک - بدبو - حیل - پوزش
- ۱۳- از نام های عربی مردانه - اداره کننده - افراطی
- ۱۴- قاتل درخت - حمایت طلب کردن - وی
- ۱۵- از سایت های خبری تحلیلی استان فارس - فرخنده نیست

شیوه حل جدول سودوگو

یک سودوگوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

8	3	6	2	4	1	5	7	9
4	5	7	6	3	9	8	2	1
1	2	9	5	7	8	3	6	4
2	6	1	3	5	7	4	9	8
9	8	5	4	1	2	7	3	6
7	4	3	9	8	6	2	1	5
6	7	8	1	2	5	9	4	3
3	9	2	8	6	4	1	5	7
5	1	4	7	9	3	6	8	2

جواب جدول شماره ۹۴/۳۴۳

جدول شماره ۹۵/۳۴۴

9		6	7	3				2
			7		5			6 9
		2		1	4			
3		8	5	2				
		2		9		5		6
					6	8	2	7
					9	4		7
7	9		8			3		
4			7	1	2			8

سودوگو